

رویکرد حقوق کیفری و جرم شناختی تعارض منافع در ایران و نظام بین الملل

امیرحسین جلالیان لرکی^۱

رجب گلدوست جویباری^۲

پوریا اعتمادی^۳

صادق اسمی پور نورآباد^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

چکیده

تعارض منافع، وضعیتی است که در آن منافع شخصی افراد یا نهادها با وظایف عمومی آنها در تضاد قرار می‌گیرد و می‌تواند منجر به ترجیح منافع شخصی و تضعیف مسئولیت‌های اجتماعی شود. در ایران، نظام حقوقی اگرچه به اهمیت این پدیده آگاه است، اما سیاست‌های پیشگیرانه آن عمدتاً مبتنی بر روش‌های سنتی کشف و مجازات پس از وقوع فساد است. این رویکرد با چالش‌هایی مانند نبود مقررات کافی برای دور نگه داشتن مدیران از موقعیت‌های تعارض منافع و ناتوانی در پاسخگویی به پیچیدگی‌های آن مواجه است. در مقابل، کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس و کانادا با ترکیب تدابیر پیشگیرانه و سیاست‌های اخلاق‌محور توانسته‌اند تعارض منافع را مدیریت کنند. مدیریت کارآمد این پدیده نیازمند سیاست جنایی جامع است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کیفری را پوشش دهد. جرم‌انگاری مصادیق آشکار تعارض منافع، شفافیت مالی مسئولان و حمایت از افشاگران از ابزارهای کلیدی کاهش فساد هستند. تجربه جهانی نشان می‌دهد اتکای صرف به مجازات‌ها کافی نیست و اصلاح نهادهای اداری نیز ضروری است. ساختار سیاسی بر شیوه مدیریت تعارض منافع تأثیر می‌گذارد. برای ایران، تدوین قوانین شفاف با ضمانت اجرای قوی، تقویت سازوکارهای پیشگیرانه و اصلاح نهادی، راهکارهای اساسی هستند. بنابراین، تلفیق رویکردهای کیفری با اصلاحات اداری و فرهنگ‌سازی اخلاقی، کلید دستیابی به حکمرانی سالم و بهبود کیفیت زندگی است. این مقاله از رویکرد تحقیق توصیفی و کیفی استفاده می‌کند. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و متون مرتبط با موضوع و مصاحبه با متخصصان و صاحب‌نظران و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شده است.

واژگان کلیدی

تعارض منافع، سیاست جنایی، پیشگیری از جرم، فساد اقتصادی، نظام قضایی

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

(نویسنده مسئول). ARHN.JN@gmail.com

۲- دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. r-goldoust@sbu.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

p.etemadi313@gmail.com

۴- دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

sadeghesmipour@gmail.com

۱- مقدمه

تعارض منافع وضعیتی است که در آن، شخص در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند بین منافع شخصی و منافع عمومی، یکی را برگزیند. این وضعیت، بر استقلال ذهنی قضات، شفافیت و مشروعیت نظام قضایی تأثیر مستقیم دارد و به همین دلیل، به یکی از راهبردهای اصلی تقنین و سیاستگذاری تبدیل شده است (موسوی فرد، ۱۳۹۷). در ایران، اگرچه قانون‌گذار به اهمیت این موضوع واقف بوده و تلاش‌هایی برای پیشگیری از آن انجام داده، اما این پیشگیری‌ها عمدتاً به صورت سنتی و مبتنی بر سیاست‌های سختگیرانه پس از وقوع فساد بوده و کارایی لازم را نداشته است. در برخی موارد نیز، قواعد و مقررات مربوط به موقعیت تعارض منافع نادیده گرفته شده و مدیران قضایی در معرض این تعارض قرار گرفته‌اند.

در حالی که برخی نظام‌های حقوقی دارای مقررات و سازوکارهای منسجم‌تری در این زمینه هستند که می‌توان از آنها الگوبرداری کرد، ایران در مدیریت این مسئله با چالش‌هایی روبروست. به گفته حجت‌الاسلام اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، «یکی از وظایف قوه قضاییه پیشگیری از وقوع جرم است. پس بنابراین باید چیزی جرم باشد تا بتوان از آن پیشگیری کرد» (مصاحبه رئیس کنونی قوه قضاییه و معاون اول و سخنگوی سابق قوه قضائیه در مورخ ۵ شهریور ۱۳۹۷). ایشان با تأکید بر لزوم جرم‌انگاری مصادیق تعارض منافع، به ضرورت وجود مبنای قانونی برای پیشگیری از جرائم ناشی از این وضعیت اشاره کردند.

با این وجود، به نظر می‌رسد که سیاست جنایی ایران در این خصوص همچنان با ابهام و سرگردانی روبروست (موسوی فرد و نوروزیان، ۱۴۰۰). این در حالی است که پیوند حقوق کیفری و سیاست جنایی با حوزه اقتصاد مالی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در دنیای امروز است (منفرد و دیگران، ۱۳۹۹). به عنوان مثال، در حوزه جرائم اقتصادی که بیشترین تعارض منافع در آن رخ می‌دهد، سیاست جنایی تقنینی حاکم بر بازار سرمایه، با اقداماتی چون جرم‌انگاری کیفری، انتظامی و اداری، مرز بین مجاز و غیرمجاز را مشخص کرده است. اما، مدل سیاست جنایی پیش گرفته شده در این بازار، اعم از سخت‌گیرانه، کمینه‌گرا یا فاقد معیار مشخص، نیازمند بررسی و بازبینی است.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که کشورهایمانند ایران، بحرین و قطر، تاکنون نتوانسته‌اند این مسئله را به طور خاص و مستقل مدیریت کنند. در مقابل، سایر کشورها با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه اجتماعی (مانند کدهای اخلاقی) و وضعی (مانند محدودیت فعالیت‌های دولتی و افشای منافع خصوصی)، تلاش کرده‌اند از فساد ناشی از تعارض منافع جلوگیری کنند (اکرمی و فتحی، ۱۴۰۰).

بنابراین، به نظر می‌رسد که روزآمد کردن قوانین کیفری، قانون‌گذاری شفاف، اتخاذ رویکردهای عقلانیت‌مدار، افتراقی‌سازی سیاست جنایی در بازار سرمایه و ایجاد مدیریت متمرکز در عرصه‌های کیفری و غیرکیفری، از جمله بایسته‌های ساماندهی این عرصه است.

۲- تعارض منافع در نهادهای مالی

در بازارهای مالی، نهادهای مالی به‌عنوان واسطه بین دو گروه اصلی عمل می‌کنند: افراد با مازاد منابع و متقاضیان منابع. تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که این نهادها یا کارکنانشان در انتخاب بین منافع مشتریان، شرکت یا منافع شخصی دچار تردید شوند. این تعارض ممکن است به سوءاستفاده، مانند استفاده از اطلاعات محرمانه (مثلاً در قیمت‌گذاری سهام)، منجر شود (گزارش نشست انجمن مالی اسلامی ایران، مهدی دلبری).

تنوع ابزارهای مالی و پیچیدگی آنها شناسایی تعارض منافع را دشوارتر میکند. مطالعاتی مانند تحقیق گروه دیماک و گرکن (بررسی جرائم سرمایه‌گذاری) و پژوهش ارژن ریورینگ (رفتارهای متقلبانه در بازارها) نشان می‌دهد تعارض منافع اغلب با بهانه‌های مانند محرمانگی اطلاعات، زمینه ساز جرائم مالی میشود.

جهت مقابله، قوانینی مانند داد-فرانک (۲۰۱۰) در آمریکا و مقررات اروپایی (۲۰۱۰ و ۲۰۱۴) برای شفافیت و اخلاقمنداری در بازارها تصویب شد. نکته کلیدی این است که وجود تعارض منافع ذاتاً مشکلساز نیست، بلکه مدیریت نادرست آن است که ریسک ایجاد میکند (گزارش نشست انجمن مالی اسلامی ایران، مهدی دلبری).

۳- نقش اخلاق حرفه‌ای و سازوکار اجرایی در مدیریت تعارض منافع

نقش اخلاق حرفه‌ای و سازوکارهای اجرایی در مدیریت تعارض منافع، دو رکن اصلی است: بخش نرم (آموزش اخلاقیات) و بخش سخت (چارچوب‌های قانونی). در ایران فاصله چشمگیری با استانداردهای ایده‌آل در هر دو بخش وجود دارد. تعارض منافع (تضاد بین منافع شخصی و سازمانی) و جرائم مالی تعاریف نزدیکی دارند و شناسایی آنها به دلیل نبود سیستم ثبت اطلاعات و کمبود متخصصان جرم‌شناسی مالی دشوار است (جیلیان مهدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵).

نبود سیاست‌گذاری شفاف برای تعارض منافع (برخلاف بانک‌های جهانی) و ضعف در مدیریت دریافت هدایا از چالش‌های ایران است. راهکارها شامل آموزش فعالان بازار و تدوین دستورالعمل‌های مشخص (مانند ممنوعیت استفاده از تلفن شخصی در محیط کار و ثبت مکالمات در سامانه‌های رسمی) است. همچنین، ایجاد سازوکارهایی مانند مدیر تطبیق (ناظر مستقل بر رعایت قوانین) و مجزاسازی بخش‌های دارای تضاد منافع ضروری است. تعارض منافع به دو نوع شخص‌محور و سازمان‌محور تقسیم میشود و مدیریت آن به جای نگاه منفی، نیازمند ایجاد ساختارهای نظارتی کارآمد است.

۴- جرم‌شناسی پیشگیری در جرائم اقتصادی و تعارض منافع ناشی از آن

جرم‌شناسی پیشگیری، به عنوان شاخه‌ای کاربردی، با هدف رفع محدودیت‌های پیشگیری عام (مانند بازدارندگی مجازات) شکل گرفت. خاستگاه آن به اندیشه‌های انریکو فری (جامعه‌شناس ایتالیایی) بازمی‌گردد که تدابیر غیرکیفری را جایگزین مجازات دانست. این شاخه از دهه ۱۹۳۰ در مطالعات دانشگاه شیکاگو و سپس در دهه ۱۹۶۰ گسترش یافت. موريس کوسن پیشگیری را «اقدامات غیرقهرآمیز برای کاهش بزهکاری» تعریف میکند، با تأکید بر حذف مجازات از شیوه‌های جرم‌زدایی (سایت مگیران).

نظریه‌های جرم‌شناسی برخی جرم را محصول عملکرد نظام عدالت (نه عوامل محیطی) میدانند و معتقدند جرم‌انگاری‌های غیرضروری، مجرمان را می‌سازد. این نگرش، پیشگیری را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد، اما نظریه‌های روانشناختی-اجتماعی و پویایی عمل جنایی، امکان پیشگیری تجربی را تأیید میکنند (همان).

تعارض منافع به عنوان آسیب اجتماعی، نیازمند پیشگیری اجتماعی است که از طریق تحولات فرهنگی، آموزش و افزایش آگاهی شهروندان محقق میشود. موسوی فرد (۱۳۹۷) بر نقش تعالیم دینی در پیشگیری تأکید دارد. در ایران، قوه قضائیه از دهه ۱۳۹۰ اقداماتی انجام داده، اما فقدان قانون جامع، شفافیت و حمایت از افشاگران، چالش‌های اصلی اند (وکیلیان و دیگران، ۱۳۹۹). مقایسه ایران با آمریکا و انگلیس نشان می‌دهد مدیریت تعارض منافع در این کشورها به دلیل قوانین زود هنگام، موفقتر بوده است (معظمی، ۱۳۸۶).

پیشگیری اجتماعی با تمرکز بر کاهش ناهنجاری ها از طریق رصد آسیب ها، آموزش مهارت های زندگی و خودنظارتی، به ویژه در جرائم اقتصادی مؤثر است. علیوردی نیا (۱۳۹۳) لزوم باور عمومی به اصولی مانند شفافیت و تعارض منافع را ضروری میدانند. با این حال، افزایش جرائم در ایران، نیاز به تحول ساختاری و درک واقع بینانه از عوامل اجتماعی-اقتصادی دارد (هندیانی و دیگران، ۱۳۹۸؛ علیوردی نیا و یوسفی، ۱۳۹۰).

۵- مدیریت تعارض منافع در کشور ایالات متحده آمریکا

مدیریت تعارض منافع در ایالات متحده از دهه ۱۹۶۰ با گذار از رویکرد کیفری به پیشگیرانه آغاز شد. دولت کندی با بازنگری قوانین جزایی و تدوین مرام نامه های اخلاقی برای قوه مجریه، پایه گذاری اصلاحات را انجام داد. پس از ترور کندی، جانسون با دستور اجرایی ۱۱۲۲۲ (۱۹۶۵) شش اصل خدمات دولتی شامل محدودیتهای هدایا و فعالیتها را وضع کرد. با این حال، اجرای ناهماهنگ استانداردها بین دستگاهها به دلیل نبود ناظر مرکزی ادامه یافت (<http://bistonoh.ir>).

رسوایی و اثرگیت موجب تصویب قانون اخلاق در دولت (۱۹۷۸) شد که افشای اجباری مالی مقامات، محدودیت های لایبگری پس از ترک خدمت، ایجاد دفتر وکیل مستقل و تأسیس اداره اصول اخلاقی دولت را در پی داشت. در ۱۹۸۹، بوش با دستور اجرایی ۱۲۶۴۷ چهارده اصل جایگزین شش اصل پیشین کرد، شامل ممنوعیت مالکیت منافع متعارض، استفاده از اطلاعات محرمانه، دریافت هدایا و جانبدارانه عمل کردن.

اداره اصول اخلاقی دولت (با ریاست منصوب از سوی رئیسجمهور و تأیید کنگره) مسئول تدوین استانداردهای واحد برای جلوگیری از نقض سهوی قوانین شد. این نهاد با ۴۵۰۰ کارمند در ۱۳۰ سازمان، از ابزارهایی مانند افشای مالی (محرمانه/عمومی) استفاده میکند.

در قوه مجریه، قواعد شامل قانون اخلاق در دولت، کد ضوابط رفتاری (حاکم بر ۱ میلیون کارمند) و دستورات اجرایی است. در قوه مقننه، مجلس نمایندگان تابع قواعد خاص (فصول ۲۳ و ۲۶) و سنا تحت «کد رفتاری رسمی سنا» است. نظارت در مجریه توسط دفتر اخلاق دولت (پیشگیری) و بازرسان کل (رسیدگی به شکایات) انجام میشود. در مجلس نمایندگان، دفتر اخلاق کنگره (OCE) و کمیته اخلاق مسئولند، حال آنکه سنا تنها کمیته منتخب اخلاق دارد. شفافیت داراییها با سامانه هایی مانند «قاضی شما مالک چه چیزی است؟» (افشای سرمایه گذاری ها، هدایا و درآمد قضات) تقویت شده است. این نظام با تفکیک قوا و تفویض اختیارات به نهادهای مستقل، هدف اعتماد عمومی به سلامت حکومت را دنبال میکند.

۶- تعریف قوانین تعارض منافع در برخی از ایالت های مختلف کشور آمریکا

قواعد اخلاقی حاکم بر قانون گذاران ممکن است افشای مواردی را که ممکن است تضاد منافع ایجاد کند یا ظاهر یک تعارض را نشان دهد ممنوع یا الزام کند (www.ncsl.org/research/ethics/o-state-table-conflict-of-interest-definitions) مانند اینکه قانون گذار از دیگران در مقابل دولت نمایندگی کند یا یکی از اعضای خانواده را استخدام کند دامنه شرایطی که می تواند یک تضاد ایجاد کند بسیار زیاد است که نمی تواند فهرستی برای هر سناریو ممکن ارائه کند. تعاریف کلی به پر کردن شکافهای باقی مانده بین قوانین رفتاری خاص کمک می کند هر ایالت و منطقه تعریفی از تضاد منافع ارائه می دهد که هدف آن این است که به اندازه کافی گسترده باشد تا بتواند طیفی از نقض آشکار اعتماد عمومی را به تصویر بکشد و در عین حال به اندازه کافی خاص برای ارائه راهنمایی باشد. همه ایالت ها بر

اساس قانون اساسی اساسنامه یا قاعده به تضاد منافع احتمالی قانونگذاران می‌پردازد. تعاریف معمولاً مشخص می‌کنند که قانونگذار ممکن است منافع مالی شخصی یا خصوصی در آراء یا سایر وظایف قانون‌گذاری نداشته باشد. قوانین ایالتی به شرح ذیل‌اند

ایالت آلاباما (Alabama: Ala. Code ۱-۲۵-۳۶ و Ala. Code ۵۰-۲۵-۳۶): تضاد منافع شامل هرگونه اقدام انفعال یا تصمیم یک مقام دولتی یا کارمند دولتی در انجام وظایف رسمی خود است که بر منافع مالی او یا اعضای خانواده‌اش یا هر تجارتی که با آن انجام می‌شود تحت تأثیر قرار می‌دهد شخص به روشی متفاوت از روشی که بر سایر اعضای طبقه‌ای که به آن تعلق دارد تأثیر می‌گذارد مرتبط می‌شود. استثنائات وام یا تراکنش مالی که در روال عادی تجارت ایجاد یا انجام شده است. جایزه غیر مالی گاه به گاه که توسط یک سازمان برای انجام خدمات عمومی ارائه می‌شود پرداخت یا بازپرداخت هزینه‌های واقعی و ضروری سفر و امرار معاش برای حضور شخصی یک مقام دولتی یا کارمند دولتی در همایش یا جلسه دیگری که قرار است در آن به طور معناداری در ارتباط با وظایف رسمی خود شرکت کند حضور در آن هیچ بازپرداختی توسط دولت انجام نمی‌شود. هرگونه مشارکت در مبارزات انتخاباتی از جمله خرید بلیت یا تبلیغات در مجلات برای شامهای سیاسی یا شهادت در صورتی که مشارکت واقعاً برای مقاصد سیاسی استفاده شده باشد و در شرایطی ارائه نشده باشد که از آن به طور منطقی استنباط شود که هدف مشارکت تحت تأثیر قرار دادن قابل توجه یک مقام دولتی در انجام وظایف رسمی است تضاد منافع زمانی وجود خواهد داشت که یکی از اعضای یک نهاد قانون‌گذاری یک مقام دولتی یا کارمند دولتی به دلیل مالکیت کنترل یا اعمال قدرت بر هر منفعتی بیش از پنج درصد ارزش مالی منافع مالی قابل توجهی داشته باشد. هر شرکت شرکت، انجمن یا شرکت شراکت مالکیت یا هر نهاد تجاری دیگر از هر نوع یا شخصیتی که منحصراً تحت تأثیر قوانین پیشنهادی یا در حال انتظار است یا کسی که افسر یا مدیر هر شرکت شرکت، انجمن یا شرکت شراکت مالکیت یا هر نهاد تجاری دیگری از هر نوع یا شخصیتی است که منحصراً تحت تأثیر قوانین پیشنهادی یا معلق است.

ایالت آلاسکا (Alaska: Alaska Stat. Ann. ۰۳۰۰، ۶۰، ۹۲۴): تضاد منافع در صورتی وجود دارد که قانونگذار یا یکی از اعضای خانواده مستقیم قانونگذار در تجارت سرمایه‌گذاری اموال غیر منقول اجاره یا سایر مؤسسات در صورتی که منافع قابل توجه باشد، منفعت مالی داشته باشد و تأثیر آن عمل بر آن منفعت رأی‌گیری بیشتر از تأثیر آن بر عموم مردم است.

ایالت آریزونا (Arizona: Ariz. Rev. Stat. Ann. ۳-۵۰۲): تضاد منافع در صورتی وجود دارد که یک افسر دولتی منفعت قابل توجهی در هر قرارداد فروش خرید یا خدماتی به این سازمان دولتی داشته باشد منفعت اساسی " به معنای هرگونه منفعت مالی یا مالکانه غیر سوداگرانه مستقیم یا غیر مستقیم به غیر از علاقه از راه دور تعریف شده است. ایالت آرکانزاس (Arkansas: Ark. Code Ann. § ۸-۲۱-۸۰۳۰): تعارض منافع ممکن است وجود داشته باشد اگر قانونگذار «مجبور شود در انجام وظایف رسمی خود اقدامی انجام دهد که ممکن است بر منافع مالی او تأثیر بگذارد یا برای او منفعت مالی یا ضرر داشته باشد یا تجارتی که در آن انجام شود یا او یک افسر، مدیر، سهامدار است که بیش از ۱۰ از سهام شرکت مالک امین شریک یا کارمند را در اختیار دارد که از تأثیرات عمل بر عموم مردم قابل تشخیص است. "

ایالت کالیفرنیا (A. California: Cal. Gov't Code § ۸۷۱۰۰): هیچ مقام دولتی در هیچ سطحی از دولت ایالتی یا محلی نباید در تصمیم‌گیری، جزئیات و ممنوعیت‌های بیشتری را در مورد تضاد منافع ارائه می‌دهند. ایالت کلرادو (Colorado: Colo, Const. art. V, ۵۴۳۰) عضویتی که در هر اقدام یا لایحه‌ای که در مجمع عمومی پیشنهاد شده یا در حال است منفعت شخصی یا خصوصی دارد باید موضوع را به مجلسی که عضو آن است فاش کند. به آن رأی نخواهد داد.

ایالت کانکتیکات تعارض منافع در صورتی وجود دارد که قانونگذار دلایلی داشته باشد که معتقد باشد یا انتظار داشته باشد که او همسرش فرزند تحت تکفل یا تجارته‌ای که با آن در ارتباط است منفعت پولی مستقیم به دست آورده یا زیان مستقیم پولی حسب مورد متحمل شود. به دلیل فعالیت رسمی او باشد. در صورتی که وی منفعتی نداشته باشد که در تضاد اساسی با انجام صحیح وظایفش در راستای منافع عمومی و مسئولیت‌هایش طبق قوانین این ایالت باشد در صورتی که منفعت یا ضرری حاصل شود تضاد منافع وجود ندارد به او همسرش فرزند تحت تکفل یا تجارته‌ای که او همسرش یا فرزند وابسته به آن به عنوان عضوی از یک حرفه شغل یا گروهی با آن در ارتباط است به اندازه هر عضو دیگری از آن حرفه شغل یا گروه است.

ایالت کلمبی (Columbia: D.C. Code Ann. ۱۱۶۲، ۲۳۰-۱): تضاد منافع در صورتی وجود دارد که یک مقام رسمی از مقام یا عنوان رسمی خود استفاده کند، یا شخصاً و بطور اساسی از طریق تصمیم‌گیری تأیید عدم تأیید، توصیه، ارائه مشاوره تحقیق یا در غیر این صورت در یک دادرسی قضایی یا دیگر شرکت کند درخواست، درخواست حکم یا تصمیم دیگر قرارداد ادعا جنجال اتهام دستگیری یا موارد خاص دیگر یا تلاش برای تأثیرگذاری بر نتیجه یک موضوع خاص به نحوی که کارمند بداند احتمالاً دارای یک موضوع است. تأثیر مستقیم و قابل پیش‌بینی بر منافع مالی کارمند یا منافع مالی شخصی که نزدیک به کارمند است.

ایالت فلوریدا (Florida: Fla. Stat. Ann. 112,3143): تضاد منافع در صورتی وجود دارد که موضوعی وجود داشته باشد که افسر بداند منفعت یا ضرر خصوصی ویژه او را در پی خواهد داشت. منفعت یا زیان خصوصی ویژه به معنای سود یا ضرر اقتصادی است که برای افسر خویشاوند شریک تجاری یا مدیر اصلی او وارد می‌شود مگر اینکه این اقدام بر طبقه‌ای تأثیر بگذارد که شامل افسر بستگان او همکار تجاری او می‌شود.

ایالت جورجیا (Georgia: Ga. Code Ann. ۹-۱۰-۵۴۵۰۰): تعارض منافع چنین معنا شده به این معناست که یک فرد دارای منافع چندگانه است و از موقعیت رسمی خود برای بهره‌برداری از موقعیت خود به نحوی برای منافع مستقیم منحصر به فرد مالی و شخصی خود استفاده می‌کند.

ایالت ماساچوست (Massachusetts: Mass. Gen. Laws Ann. ch. ۲۶۸۹، ۵۶۸): ممنوعیت تعارض منافع ممکن است زمانی اعمال شود که یک مقام دولتی در انجام وظایف رسمی خود آگاهانه ملزم به انجام اقدامی باشد که اساساً منافع مالی آن مقام را تحت تأثیر قرار دهد مگر اینکه تأثیر آن بر چنین مقامی بیشتر از تأثیر بر عموم مردم باشد.

ایالت مینه‌سوتا (Minnesota: Minn. Stat. Ann. ۰۷.۶۱۰۸): افشای تضاد منافع زمانی مورد نیاز است که یک مقام دولتی که در انجام وظایف رسمی ملزم به انجام اقدامی یا اتخاذ تصمیمی است که اساساً بر منافع مالی مقام یا یک تجارت مرتبط تأثیر می‌گذارد مگر اینکه تأثیر آن بر مقام رسمی بالاتر از سایر اعضای طبقه بندی تجاری حرفه یا شغل

مقام رسمی نیست.» اصطلاح منافع مالی به عنوان هرگونه مالکیت یا کنترل در دارایی که پتانسیل ایجاد بازده پولی تعریف می‌شود.

ایالت میسی‌سی‌پی (Mississippi: Miss. Code. Ann. ۱۰۵۰-۴-۲۵): بخش کد مربوط به تضاد منافع در بخش بیانیه سیاست، به هرگونه تلاش برای تحقق منافع شخصی از طریق رفتار رسمی غیر از آنچه در قانون پیش بینی شده است یا به عنوان یک نتیجه طبیعی از موقعیت شغلی اشاره دارد باید از موقعیت رسمی خود برای به دست آوردن یا تلاش برای به دست آوردن منفعت مالی برای خود غیر از غرامت مقرر در قانون یا به دست آوردن یا تلاش برای به دست آوردن منفعت مالی برای هر بستگان یا هر تجارتي که با آن مرتبط است استفاده کند.

کارولینای شمالی (North Carolina N.C. Gen. Stat. Ann. ۶۱۶۳-۲۱۹): بدون استفاده از اصطلاح تعارض منافع، قانون ایالتی قانونگذار را از استفاده از موقعیت عمومی خود در یک اقدام رسمی که منجر به نفع مالی برای شخص تحت پوشش یا کارمند قانون گذاری یکی از اعضای خانواده گسترده شخص تحت پوشش یا کارمند قانون گذاری شود منع می‌کند یا تجارتي که شخص تحت پوشش یا کارمند قانون گذاری با آن مرتبط است. مزایایی را که از مزایای دریافتی سایر شهروندان ایالتی بیشتر نیست مستثنی می‌کند. بعلاوه رد صلاحیت تضاد منافع محدود به تضادهایی است که از چنان اهمیتی برخوردارند که تضاد منافع از انجام وظیفه یا بخشی از وظایف عمومی کارمند دولتی شود.

ایالت اوکلاهاما (Oklahoma: "Material financial interest" is further defined in the rule. Rule ۴،۷ Current as of Pennsylvania: 10 Pa.C.S.A. ۶۱۱۰۲): به طور کلی تعارض منافع زمانی است که یکی از اعضای قانونگذار به فعالیت‌هایی می‌پردازد یا دارای منفعی است که با انجام صحیح وظایف و مسئولیت‌هایش در تعارض است کمیسیون، اخلاق که قوانین اخلاقی را اعلام می‌کند تعریفی از تعارض منافع را از طریق مقرراتی در مورد بی طرفی افسران ایالتی ارائه می‌دهد تضاد منافع ممکن است برای یک افسر یا کارمند دولتی وجود داشته باشد که (۱) آگاهی از موضوع خاصی وجود داشته باشد که احتمالاً تأثیر مستقیم و قابل پیش بینی بر منافع مالی مادی افسر دولتی یا کارمند یا یکی از اعضای خانواده دارد. الف شخصی که با او رابطه تجاری دارد به استثنای معاملات معمول مصرف کننده، طرف چنین موضوعی است، (۳) شرایط باعث می‌شود که یک فرد معقول با آگاهی از حقایق مربوطه بی طرفی خود را در این موضوع مورد تردید قرار دهد. منافع مالی مادی در قانون بیشتر تعریف شده است.

ایالت پنسیلوانیا (Pensilvaniya: 65 Pa.C.S 1102): «تعارض» یا «تعارض منافع استفاده توسط یک مقام دولتی یا کارمند دولتی از صلاحیت دفتر یا شغل خود یا هرگونه اطلاعات محرمانه‌ای که از طریق تصدی پست دولتی یا استخدام او برای منافع مالی خصوصی خود یکی از اعضای خانواده نزدیک خود یا تجارتي که با آن یا یکی از اعضای خانواده نزدیک او مرتبط است.» این اصطلاح شامل اقدامی نمی‌شود که تأثیر اقتصادی کمتری داشته باشد یا به همان میزان بر طبقه‌ای متشکل از عموم مردم یا طبقه فرعی متشکل از یک صنعت، شغل یا گروه دیگری که شامل مقام دولتی یا کارمند دولتی یک عضو باشد، تأثیر می‌گذارد.

۷- تعارض منافع در حقوق کانادا

بررسی تجربه کانادا در مدیریت تعارض منافع نشان دهنده رویکرد دو پهلو و نوپا بودن قوانین مربوطه در این کشور است. آندره استارک استاد مدیریت استراتژیک و علوم سیاسی در دانشگاه تورنتو در مقاله خود تحت عنوان تعارض

منافع در کانادا با بررسی تجربه کانادا در زمینه تعارض منافع بخش دولتی در سطح فدرال سعی کرده است شواهدی برای مستدل کردن این دو ادعا فراهم کند. همچنین در این مقاله با مقایسه ساختار سیاسی ایالات متحده و کانادا، تأثیر ساختار سیاسی کشورها در سازوکارهای مدیریت تعارضات منافع نشان داده شده است. وی با مقایسه مداوم نظام ریاستی ایالات متحده و نظام پارلمانی کانادا ضعف‌های نظام پارلمانی برای تدوین قوانین تعارض منافع را آشکار می‌کند. مرور سیر قانون گذاری در کانادا به وضوح قدرت یک جانبه نخست وزیر در وضع قوانین برای مدیریت تعارضات کابینه و قوه مجریه را نمایان می‌سازد از سوی دیگر مقایسه قوانین مدیریت تعارض منافع برای نمایندگان کنگره در ایالات متحده و کانادا روشن می‌سازد که کانادا مدیریت تعارض منافع را بسیار دیر شروع کرده است و قوانین کانادا در این مورد بسیار نوپا است در حالی که در ایالات متحده دیرزمانی است که قوانین و قواعد پیچیده‌ای در این زمینه بر نمایندگان کنگره حاکم است (برگرفته از تعارض منافع و عرصه دولتی چشم اندازه‌های چند ملتی (۱۳۹۹) ترجمه تیم مترجمان مرکز توانمندسازی (iran-bssc.ir, p=۲۰۱۸۴).

آندره استارک در مقاله خود تحت عنوان تعارض منافع در کانادا که در کتاب «تعارض منافع و عرصه دولتی چشم اندازه‌های چند ملتی منتشر شده است به بسط و مستدل نمودن نکات فوق پرداخته است. وی مقاله خود را با ارائه تعریفی از تعارض منافع آغاز می‌کند از نظر وی تعارض منافع تعارضاتی است که منافع مالی شخصی یک مقام در تصمیم گیری‌های رسمی او ایجاد می‌کند و بر توانایی وی برای تصمیم گیری و عمل در جهت خیر عمومی تأثیر منفی می‌گذارد. وی با مقایسه قوانین تعارض منافع در کانادا و آمریکا استدلال می‌کند پارلمان کانادا به وضع قوانین در خصوص تعارضات منافع منشأ عمومی در مقابل تعارضات منافع با خصوصی گرایش دارد. نویسنده چنین می‌نویسد که در دهه ۱۹۷۰ که برای اولین بار رژیم جامع تعارض منافع در کانادا مورد بحث واقع شد لوایح ارائه شده بر تعارضات ناشی از پذیرش منابع درآمد دولتی از جمله سایر انتصابات دولتی در کابینه یا قراردادهای فدرال تأکید می‌کردند و تنها در سال ۲۰۰۴ اعضای پارلمان مشمول قوانین تعارض منافع با منشأ منافع شخصی شدند. استارک چنین نتیجه می‌گیرد که در قوانین مدیریت تعارض منافع اعضای کنگره، توجه زیادی به حذف تعارضات مرتبط با منشأ عمومی شده اما به حذف تعارضات مرتبط با قوه مجریه و وزرا که منشأ خصوصی دارند توجه کمی شده است. به علاوه در اساس نامه تعارض منافع کانادا برخلاف قوانین آمریکا بسیاری از موقعیت‌هایی که مقامات دولتی می‌توانند از موقعیت خود برای تأثیر گذاری بر منافع یک دستگاه خصوصی به طور غیر مستقیم و با واسطه تأثیر بگذارد مجاز شمرده می‌شود. نویسنده استدلال می‌کند که سیطره نخست وزیر کانادا بر قوه مجریه بر وضع قوانین مدیریت تعارض منافع تأثیر گذارده و موجب شده کمتر به سوء استفاده مقامات دولتی از مناصب خود توجه شود و از سوی دیگر سبب می‌شود تمام تلاش‌ها برای رفع تعارضاتی که دارای دو منشأ خصوصی و عمومی اند ناکام شود و در عمل موقعیت‌های تعارض منافع شخص محور در بسیاری موارد رسوایی‌هایی برای مقامات این کشور به بار می‌آورد. در خصوص تأثیر نظام پارلمانی بر مدیریت تعارض منافع (The effect of Parliamentary System on Conflict of Interest Management) باید گفت: این نویسنده معتقد است با مقایسه مداوم نظام ریاستی ایالات متحده (US Presidential System) و نظام پارلمانی کانادا (Canadian Parliamentary System)، سعی دارد ضعف‌های نظام پارلمانی برای تدوین قوانین تعارض منافع را آشکار سازد. وی چنین استدلال می‌کند که استقلال کنگره از قوه مجریه در ایالات متحده (Congressional Independence from the Executive Branch in the United States) باعث شده است که نه تنها

کنگره قوانین مدیریت تعارض منافع را برای خود و قوه مجریه وضع کند بلکه در وضع این قوانین تفاوت اختیارات و مسئولیت‌های اعضای دو قوه را نیز در نظر بگیرد اما در کانادا به سبب کنترل کابینه بر کنگره و همچنین به این سبب که محتوای اصلی قوانین توسط قوه مجریه تدوین و به کنگره ارائه می‌شود قوانین به گونه‌ای تدوین می‌شوند که محدودیت‌های بیشتری برای نمایندگان بی‌قدرت کنگره (Tor. Powerless Representatives of Congress) اعمال می‌کند و از مدیریت تعارضات وزرای قدرتمند چشم‌پوشی می‌کند. به طور مثال وزرا می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های دولتی که خود یا خانواده‌شان در آن منافع دارند شرکت کنند؛ در حالی که اعضای عادی پارلمان از این امر منع شده‌اند. وی با مثال‌های متعدد در این زمینه نتیجه می‌گیرد که صرفاً اعضای رده پایین دولت که امیدی برای ورود به کابینه ندارند می‌توانند به صورت مستقل و به دور از موقعیت‌های تعارض منافع تصمیم‌گیری کنند. وی با بررسی چندین واقعه، استدلال خود در مورد تأثیر منفی نظام پارلمانی کانادا در اجرای قوانین منافع را بسط می‌دهد استارک با بررسی چندین مثال از موقعیت تعارض منافع تبانی خدمتگزاران نشان می‌دهد که در کانادا کسانی که به صورت هم‌زمان دو نقش تقنینی و اجرایی مثلاً نقش نمایندگی مجلس و نخست‌وزیری به عهده دارند؛ هنگامی که در موقعیت‌های تعارض منافع قرار می‌گیرند سعی می‌کنند با پناه بردن به یکی از قوانین مرتبط با مدیریت تعارض منافع در پارلمان یا قوه مجریه برای خود مفری بیابند و خود را تبرئه کنند. وی در ادامه مقاله خود تعارض منافع دیگری را در کانادا تحت عنوان لابی‌گری نامشروع معرفی می‌کند. او از لابی‌گرانی صحبت می‌کند که دارای تخصص در یک حوزه سیاسی خاص با گرایش حزبی هستند به علاوه دارای ارتباط مالی با دولت هستند و هم‌زمان برای برخی مشتریان بخش خصوصی نیز لابی می‌کنند و بر تصمیمات دولت به نفع آنها تأثیر می‌گذارند این در حالی است که در کانادا قوانینی برای محدود کردن این موقعیت‌های متعارض وجود ندارد وی همچنین با مقایسه قوانین کانادا و آمریکا (Fot. Comparison of Canadian and American Laws) در مورد پرداخت دستمزد مقامات دولتی از موقعیت متعارض دیگری در کانادا پرده بر می‌دارد. وی می‌نویسد بر خلاف قوانین آمریکا که مقرر داشته است برای پرداخت هزینه خدماتی که افراد برای قوه اجرایی فدرال انجام می‌دهند باید از بودجه دولتی که در کنگره تصویب شده است استفاده شود؛ در کانادا هیچ قانونی وجود ندارد که مقامات اجرایی را ملزم کند که در ازای خدمات رسمی صرفاً از دولت پاداش دریافت کنند و آنها را از دریافت پاداش خصوصی منع کند (به نقل از مقاله تحلیلی تعارض منافع در کانادا پیشین).

از نظر نویسنده این امر موجب می‌شود که مقاماتی دولتی‌ای که دستمزدشان را از بخش خصوصی دریافت می‌کنند تحت تأثیر منافع شخصی قرار بگیرند استارک با بررسی تجربه ایالات متحده و کانادا چنین نتیجه می‌گیرد که یکی از ویژگی‌های اصلی تعارض منافع در کانادا (Features of Conflict of Interest in Canada) امکان رخ دادن موقعیت‌های تعارض منافع دوپهلوی برای اعضای کنگره و دولت است و به دلایل ساختاری نگرانی چندانی در مورد ساخت و پاخت اعمال نفوذ نامشروع (Illegal Influence) سوء استفاده از مقام پرداخته‌ای خصوصی برای خدمات دولتی (Po. Private Payments for Government Services) و برخی موقعیت‌های مرتبط به اشتغال درب‌های گردان وجود ندارد. بدین سبب وی نخست توصیه می‌کند که با توجه به وجود چنین کاستی‌هایی باید مردم و رسانه‌های کانادا بیش از پیش با مفهوم تعارض منافع آشنا شوند و تعارض منافع به گفتمان عمومی در این کشور بدل شود. وی همچنین با توجه به حساسیت موضوع تعارض منافع در مشاغل عمومی توصیه می‌کند برای حل و فصل و مدیریت تعارض منافع ابتدا باید تشخیص دهیم که تعارض منافع رخ داده مرتبط با کدام یک از حوزه‌های سیاسی

اخلاقی یا حقوقی است و سپس راه کار متناسبی برای رفع آن اتخاذ شود. به عنوان مثال اگر قوانین تعارض منافع نقض شده است به هیچ عنوان نباید سراغ حمله سیاسی و یا محکومیت اخلاقی مقامات دولتی رفت بلکه باید با مجرمین طبق قوانین برخورد شود. ۳۵۹ در حقوق کانادا نهایی نیز تعبیه شده است بدان اشاراتی خواهیم داشت همانند کمیسیون تضاد منافع و اخلاق دارای وظایف دوگانه است او هم در قبال دارندگان مناصب دولتی بر اساس قانون تضاد منافع و هم برای اعضای مجلس عوام تحت قانون تعارض منافع برای اعضای مجلس عوام مسئول است. مأموریت کمیسر در رابطه با دارندگان مناصب دولتی همانطور که در قانون تضاد منافع ذکر شده است، شامل موارد زیر است:

ارائه مشاوره محرمانه به نخست وزیر از جمله به درخواست نخست وزیر در رابطه با اعمال این قانون برای صاحبان مناصب دولتی؛

ارائه مشاوره محرمانه به صاحبان مناصب دولتی در رابطه با تعهدات آنها بر اساس این قانون

بررسی و گزارش در مورد تخلفات احتمالی این قانون توسط دارندگان مناصب دولتی یا صاحبان مناصب دولتی سابق و مدیریت رژیم افشایی که به موجب آن صاحبان مناصب ارشد دولتی دارایی‌ها و بدهی‌ها و سایر اطلاعات خود را محرمانه به کمیسیونر افشا می‌کنند و خلاصه‌ای از آن اطلاعات را برای عموم تهیه می‌کنند قانون تعارض منافع به هر نماینده مجلس اجازه می‌دهد تا در صورتی کتباً از کمیسیونر درخواست کند تا در مورد رفتار یکی از صاحبان منصب فعلی یا سابق تحقیق کند در صورتی که پارلمان معتقد است که شخص مورد نظر قانون تعارض منافع را نقض کرده است. کمیسر همچنین می‌تواند به ابتکار خود چنین آزمایشی را انجام دهد. او در مورد چنین تحقیقاتی به نخست وزیر گزارش می‌دهد و گزارش‌های او علنی می‌شود اگر چه انواع خاصی از اطلاعات به دست آمده از این تحقیقات باید محرمانه بماند مطابق با مأموریت دوگانه کمیسیون تضاد منافع و اخلاق (Commission on Conflict of Interest and Ethics) به دو کمیته مجلس عوام به شرح زیر گزارش می‌دهد کمیته دائمی رویه و امور مجلس با توجه به وظایف و وظایف حاکم بر قانون تعارض منافع برای اعضای مجلس عوام و کمیته دائمی دسترسی به اطلاعات حریم خصوصی و اخلاقیات با توجه به مسئولیت‌های مقرر در قانون تضاد منافع و همچنین در رابطه با اداره کل دفتر کمیسیون تضاد منافع و اخلاق^۱. همانطور که در قانون پارلمان کانادا پیش بینی شده است کمیسیون تضاد منافع و اخلاق نیز مشاوره سیاست محرمانه و حمایت از نخست وزیر را در رابطه با تضاد منافع و مسائل اخلاقی به طور کلی ارائه می‌دهد^۲.

۸- کد مخصوص تعارض منافع برای نمایندگان مجلس عوام کانادا

اعضای مجلس عوام ملزم به قانون تعارض منافع برای اعضای مجلس عوام هستند که ضمیمه به دستورات دائمی مجلس عوام است. این آیین نامه اهداف متعددی را بیان می‌کند از جمله حفظ و افزایش اعتماد عمومی و اعتماد به یکپارچگی اعضا همراه با تعدادی از اصولی که برای راهنمایی اعضا در تطبیق منافع خصوصی و وظایف عمومی خود در نظر گرفته شده است این قانون از اولین جلسه مجلس سی و هشتم در ۴ اکتبر ۲۰۰۴ لازم الاجرا شد. ارائه نظرات محرمانه کتبی به اعضا و انجام تحقیقات در مورد عدم انطباق ادعایی اعضا با تعهدات کد کمیسر در مورد سؤالات خود به مجلس

¹ Look at: House of Commons, Conflict of Interest Code for Members of the House of Commons, Appendix I in Standing Orders of the House of Commons, 2017

² See Parliament Report authors: Maxime-Olivier and Alexandra Savoie: Report available at [Thibodeauhttps://www150.comptes.parl.gc.ca/sites/PublicWebsite/default/en_CA/ResearchPublications/201092](https://www150.comptes.parl.gc.ca/sites/PublicWebsite/default/en_CA/ResearchPublications/201092)

گزارش می‌دهد و همچنین سالانه فعالیت‌های خود را با حفظ احترام اشخاص به اعضا گزارش می‌دهد. این قانون اعضا را از رأی دادن یا عمل به گونه‌ای که منافع خصوصی خود یا دیگران را تقویت می‌کند منع می‌کند و ملزم می‌کند که هر زمان تصمیمی که بر آن منافع تأثیر می‌گذارد افشا شود. اعضا و خانواده‌هایشان باید هر گونه سفر یا هدایایی را که بیش از محدودیت‌های تعیین شده ارزش دارند به کمیسیون گزارش دهند. اعضا و هر شرکتی که متعلق به آنهاست از انعقاد قراردادهای دولت فدرال منع شده‌اند.^۳ همه اعضا موظفند اظهار نامه‌هایی را به کمیسیون ارائه دهند که دارایی‌ها و بدهی‌های متعلق به خود و خانواده‌هایشان را افشا کند سپس دفتر تضاد منافع و کمیسیون اخلاق خلاصه‌ای از افشا را بر اساس بیانیه هر یک از اعضا تهیه می‌کند و این خلاصه‌ها را برای بررسی عمومی در وب سایت کمیسر در دسترس قرار می‌دهد. اعضای مجلس عوام می‌توانند در هر زمانی از کمیسر بخواهند که نظر محرمانه‌ای در مورد تعهدات آنها بر اساس این قانون ارائه دهد. همچنین هر عضوی که معتقد است عضو دیگری به تعهدات خود در این آیین نامه عمل نکرده است می‌تواند از کمیسر درخواست کند تا در مورد موضوع تحقیق کند کمیسیونر همچنین می‌تواند به ابتکار خود تحقیقی را انجام دهد در انجام چنین تحقیقاتی کمیسر باید به صورت خصوصی و با اعزام مناسب عمل کند و در تمام مراحل مناسب در طول تحقیق کمیسر باید به عضو فرصت معقولی برای حضور و ارائه نمایندگی بدهد. در گزارشی درباره یک تحقیق کمیسر ممکن است تحریم‌ها را توصیه کند و باید دلایلی برای نتیجه‌گیری و توصیه‌ها ارائه کند این قانون همچنین کمیته دائمی رویه و امور مجلس را ملزم می‌کند تا هر پنج سال یکبار بازبینی جامعی از مفاد و عملکرد آن انجام دهد.^۴

در خصوص قانون تعارض منافع کانادا به صورت خاصه باید گفت قانون تعارض منافع ایجاب می‌کند که دارندگان مناصب دولتی پس از انتصاب باید امور خصوصی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که از بروز تضاد منافع جلوگیری شود با استثنای محدود آنها نباید پول یا هدایایی را درخواست کنند یا قبول کنند. کمک به افراد در تعامل با دولت به گونه‌ای که وضعیت حرفه‌ای آنها را به خطر بیندازد. از اطلاعات به دست آمده به دلیل موقعیت خود به عنوان افراد داخلی استفاده کنند. یا پس از ترک مناصب دولتی به گونه‌ای عمل کنند که از داشتن آن منصب سوء استفاده کنند از سال ۱۹۹۴ اطلاعات مربوط به همسر و فرزندان تحت تکفل وزراء و وزیر امور خارجه و دبیران مجلس نیز مرتبط تلقی شده است. حدود ۲۲۵۰ نفر از صاحبان مناصب دولتی فعلی و سابق شامل نه تنها نخست وزیر و وزراء و وزیر امور خارجه دبیران پارلمان و کارکنان معاف، وزرا بلکه اکثر فرمانداران تمام وقت و پاره وقت در شورا نیز مشمول این قانون هستند. از جمله معاونان و معاونان وزیر و روسای آژانس‌ها، شرکت‌های تاج و تخت هیئت‌ها کمیسیون‌ها و دادگاه‌ها است.^۵ قانون تضاد منافع بین صاحبان مناصب دولتی گزارش دهنده و غیر گزارش دهنده تفاوت قائل می‌شود. صاحبان دفتر گزارش شامل وزراء دبیران مجلس کارکنان وزارتی که به طور متوسط ۱۵ ساعت یا بیشتر در هفته کار می‌کنند فرماندار پاره وقت در شورا که حقوق و مزایای سالانه دریافت می‌کنند و فرماندار تمام وقت در منصوبان شورا هستند. تعهدات

³ See: Section ۱۶ prevents members from receiving benefits under contracts with the federal government, and section 18 of the Code provides that a member may not have an interest in a partnership or in a private corporation that is a party to a contract with the Government of Canada, "unless the Ethics Commissioner is of the opinion that the Interest is unlikely to affect the Member's obligations under this Cod

⁴ See: The first review was completed in 2007: House of Commons, Standing Committee on Procedure and House Affairs, Fifty-fourth Report, 1st Session, 39th Parliament, 11 June 2007. The second comprehensive review was completed in 2015: House of Commons, Standing Committee on Procedure and House Affairs, Thirty-ninth Report, 2nd Session, 41st Parliament, 18 June 2015

⁵ See: Office of the Conflict of Interest and Ethics Commissioner, The 2016-2017 Annual Report in respect of the Conflict of Interest Act, pdf ۲۲ (۱) MB ۵۹, pages ۸ (June ۲۰۱۷)

تحمیل شده بر دارندگان مناصب دولتی گزارش دهنده به طور کلی سخت گیرانه تر از تعهداتی است که بر دارندگان مناصب دولتی غیر گزارش دهنده تحمیل می‌شود قانون تعارض منافع مقرر می‌دارد که برای کاهش خطر تضاد منافع دارندگان مناصب دولتی باید بسته به دارایی یا منافع مورد نظر از ابزارهایی مانند اجتناب گزارش محرمانه اعلام عمومی واگذاری یا استعفا استفاده کنند. واگذاری می‌تواند شامل قرار دادن یک دارایی مشمول یک قرارداد امانی یا مدیریتی باشد در رابطه با فعالیت‌های خارج از کشور صاحب منصب دولتی نباید درگیر حرفه‌ای باشد به طور فعال یک تجارت یا سرمایه گذاری تجاری را مدیریت یا اداره کنید حفظ یا پذیرش سمت‌های مدیریت یا دفاتر در یک شرکت مالی یا تجاری داشتن سمت در اتحادیه یا انجمن حرفه‌ای یا به عنوان مشاور مالی خدمت کنید. قانون تعارض منافع همچنین به رفتار دارندگان مناصب دولتی پس از ترک سمت می‌پردازد. قوانین پس از استخدام در قسمت ۳ قانون بخش‌های ۳۳ تا ۴۲ آمده است. این قوانین این اصل کلی را ایجاد می‌کند که دارندگان مناصب دولتی سابق نمی‌توانند به گونه‌ای عمل کنند که از مناصب دولتی قبلی خود سوء استفاده کنند آنها مقرر می‌دارند که دارندگان مناصب دولتی گزارشگر سابق نمی‌توانند منعقد کردن قرارداد خدمت یا قبول انتصاب در هیئت مدیره یک واحد تجاری که در طول دوره یک ساله یعنی بلافاصله قبل از آخرین روز تصدی خود با آن معاملات رسمی مستقیم و مهمی داشتند. پیشنهاد استخدام با یکی از این نهادها را بپذیرید یا ارائه نمایندگی خواه در قبال پاداش یا نه برای یا از طرف هر شخص یا نهاد دیگری به هر بخش سازمان هیئت مدیره کمیسیون یا دادگاهی که با آنها در طی دوره یک ساله بلافاصله قبل از آخرین کار مرادوات رسمی مستقیم و مهمی با آنها داشته‌اند. روز در دفتر بعلاوه صاحبان مناصب دولتی سابق که وزرای ولیعهد یا وزرای دولت بوده‌اند، نمی‌توانند برای همکاران سابق که هنوز در کابینه هستند نمایندگی کنند ممنوعیت‌ها برای دارندگان مناصب دولتی گزارش دهنده سابق که وزیر تاج و تخت یا وزرای دولت نبوده‌اند برای مدت یک سال پس از آخرین روز تصدی آنها اعمال می‌شود برای وزرای سابق ولیعهد یا وزرای دولتی این ممنوعیت‌ها برای یک دوره دو ساله پس از آخرین روز تصدی آنها اعمال می‌شود این قانون به کمیسیون تضاد منافع و اخلاق این اختیار را می‌دهد که بنا به درخواست صاحب منصب دولتی گزارش دهنده یا دارنده منصب دولتی گزارش دهنده سابق این محدودیت‌ها را کاهش دهد یا از آن چشم‌پوشی کند. هنگام تصمیم‌گیری در مورد درخواست کمیسر باید در نظر بگیرد که آیا منافع عمومی در اعطای معافیت یا تخفیف بر منافع عمومی در حفظ ممنوعیت برتری دارد و همچنین باید عوامل تعیین شده در قانون را در نظر بگیرد. بر اساس قانون تضاد منافع کمیسیون تضاد منافع و اخلاق موظف است این قانون را اداره کند و مقررات تطابق منافع آن را برای دارندگان مناصب دولتی اعمال کند. کمیسر وظیفه دارد اقدامات لازم برای جلوگیری از تضاد منافع و تعیین اینکه آیا نقض قانون رخ داده است را تعیین کند. ماده ۲۹ قانون مقرر می‌دارد که در تعیین اقدامات مناسب کمیسر باید با صاحبان مناصب دولتی به توافق برسد. پس از انجام اقدامات انطباق خلاصه بیانیه‌های صاحبان مناصب دولتی و اعلامیه‌های عمومی در دفتر ثبت عمومی ارسال می‌شود. بخش ۴۳ قانون این الزام را که قبلاً در بخش ۷۲، ۰۷ قانون پارلمان کانادا آمده بود تعیین می‌کند که کمیسیونر مشاوره محرمانه‌ای را به نخست وزیر و همچنین صاحبان مناصب دولتی در مورد اعمال این قانون ارائه می‌دهد.

در یک تغییر قابل توجه نسبت به رژیم قبلی بند ۴۴ قانون تضاد منافع به نمایندگان مجلس اجازه می‌دهد تا بر اساس اعتقاد بر اساس دلایل معقول از کمیسیونر درخواست کنند که نقض احتمالی قانون توسط هر صاحب منصب دولتی فعلی

یا سابق بررسی شود کمیسر ممکن است اطلاعاتی را که از مردم دریافت می‌شود یا توسط یکی از اعضای مجلس سنا یا مجلس عوام به او ارائه می‌شود که نشان می‌دهد یک صاحب منصب دولتی از قانون پیروی نکرده است در نظر بگیرد. بخش ۴۵ قانون تضاد منافع به کمیسیونر اجازه می‌دهد تا زمانی که دلیلی برای این باور داشته باشد که صاحب منصب دولتی فعلی یا سابق قانون را نقض کرده است موضوعی را به ابتکار خود بررسی کند. کمیسر باید به صاحب منصب دولتی آسیب دیده فرصت معقولی برای ارائه نظرات خود قبل از ارائه گزارش در مورد یک معاینه بدهد. (در اینجا منظور این است که کمیسر مربوطه می‌تواند دستور بازجویی از شخص یا اشخاص مورد نظر را بدهد). کمیسر می‌تواند شاهدان را احضار کند و آنها را مجبور به ارائه مدرک یا ارائه اسناد کند در سنای کانادا تعارض منافع نیز مسئول مشخصی دارد که بعنوان افسر اخلاق از آن یاد می‌شود که دارای یک دبیرخانه و دفتر مخصوص می‌باشد این دفتر در طول سال‌ها موضوع بحث‌هایی بوده است. هنگامی که ایجاد یک رژیم تضاد منافع پارلمانی در ابتدا در دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت فکر وجود یک مسئول اخلاق واحد برای هر دو مجلس پارلمان بود. در سال ۱۹۹۷ کمیته‌ای از هر دو مجلس، پارلمان کمیته مشترک ویژه در مورد آیین نامه رفتار تشکیل یک کمیسیونر واحد را برای اداره یک کد رفتار و رژیم تضاد منافع برای اعضای هر دو مجلس سنا و مجلس عوام توصیه کرد.^۶

اگرچه این توصیه‌ها در آن زمان اجرا نشدند اما در سال ۲۰۰۲ توسط دولت برای بررسی مجدد توسط هر دو اتاق ارائه شد. کمیته دائمی قواعد رویه‌ها و حقوق مجلس سنا که از آن خواسته شده بود به این موضوع رسیدگی کند با ایجاد یک کمیسیون واحد مخالفت کرد کمیته با تأکید بر استقلال سنا از مجلس عوام و دولت و همچنین نقش و عملکرد جداگانه قانون اساسی آن از سنا درخواست کرد که یک مسئول اخلاقی خاص خود را داشته باشد کمیته دائمی قواعد رویه‌ها و حقوق مجلس سنا که از آن خواسته شده بود به این موضوع رسیدگی کند با ایجاد یک کمیسیون واحد مخالفت کرد. کمیته با تأکید بر استقلال سنا از مجلس عوام و دولت و همچنین نقش و عملکرد جداگانه قانون اساسی آن از سنا درخواست کرد که یک مسئول اخلاقی خاص خود را داشته باشد.^۷

با انعکاس این خواسته‌ها یک پیشنهاد قانونی ارائه شده در سال ۲۰۰۳ ایجاد دو سمت را در نظر داشت یک افسر اخلاق سنا که مسئول اداره رژیم تضاد منافع برای سناتورها خواهد بود و یک کمیسیون اخلاق که مسئول درگیری خواهد بود. رژیم‌های منافع اعضای مجلس عوام و صاحبان مناصب دولتی است.^۸ این پیشنهاد قانونی همانطور که در بالا مورد بحث قرار گرفت در سال ۲۰۰۴ تصویب شد.^۹ علیرغم ایجاد یک افسر اخلاق مجزا برای هر مجلس در سال ۲۰۰۴ دولت در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ لوایح دیگری را با هدف لغو سمت افسر اخلاق سنا و اجرای رژیم تضاد منافع واحد برای اعضای هر دو مجلس ارائه کرد مجلس در سال ۲۰۰۶ FAA همانطور که در ابتدا معرفی شد، سمت افسر اخلاق سنا را لغو می‌کرد و وظایف او را به سمت کمیسیون تضاد منافع و اخلاق که هنوز ایجاد نشده بود منتقل می‌کرد با این حال این بخش از لایحه توسط سنا اصلاح شد و FAA همانطور که تصویب شد، هیچ تغییری در دفتر مسئول اخلاق سنا ایجاد

^۶ Look at: Parliament of Canada, Special Joint Committee on a Code of Conduct, Second Report - Code of Conduct, 2nd Session, 35th Parliament, March 1997

^۷ See: Senate, Standing Committee on Rules, Procedures and the Rights of Parliament, Eighth Report, 2nd Session, 37th Parliament, April 2003

^۸ Look at: This proposal was initially introduced in the Ynd Session of the YVth Parliament as Bill C-34, An Act to amend the Parliament of Canada Act (Ethics Commissioner and Senate Ethics Officer) and other Acts in consequence, but it died on the Order Paper with prorogation. It was reintroduced as Bill C-4 in the subsequent session

^۹ Look at: Bill C ۳۰ - An Act to amend the Parliament of Canada Act and to make consequential amendments to other Acts, 2nd Session, 40th Parliament, May 2009

نکرد. در سال ۲۰۰۹ دولت لایحه ۳۰-C، قانون اخلاق سنا^{۱۰} را با همین هدف معرفی کرد این لایحه در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹ در سند از دستور کار خارج شد. افسر اخلاق سنا وظایف و وظایفی را انجام می‌دهد که توسط قانون تعارض منافع برای سناتورها تعیین شده است به طور خلاصه او رژیم افشای محرمانه و ثبت عمومی خلاصه‌های افشای عمومی سناتورها را مدیریت می‌کند نظرات و توصیه‌های سناتورها را در رابطه با تعهداتشان تحت این قانون ارائه می‌کند و ممکن است از او خواسته شود که در مورد نقض احتمالی این قانون تحقیق کند.

۹- کد تضاد منافع برای سناتورها در کانادا

اصلاحات ۲۰۰۴ پارلمان کانادا ایجاد کد تعارض منافع برای سناتورها را الزامی کرد که در مه ۲۰۰۵ تصویب شد. این کد و نسخه مربوط به مجلس عوام شباهت‌هایی دارند، اما تفاوت اصلی در نقش کمیته دائمی تعارض منافع سنا است که افسر اخلاق سنا به آن گزارش محرمانه می‌دهد و ممکن است تحقیقاتی را انجام دهد (سه بار اصلاح شده تاکنون). از ۱۹۷۳ تاکنون، رژیم تعارض منافع کانادا تکامل یافته و اکنون در قوانینی مانند قانون تعارض منافع و دستورات هر دو مجلس (سنا و عوام) گنجانده شده است. پیشتر، تفسیر قوانین برعهده مشاوران وابسته به نخست‌وزیر بود، اما اکنون کمیسیون تعارض منافع و اخلاق (وابسته به مجلس عوام) و افسر اخلاق سنا به صورت مستقل این وظایف را مدیریت و به پارلمان گزارش می‌دهند.

بر اساس قانون، بازنگری پنج‌ساله پس از اجرای بخش ۶۷ الزامی است که در ۲۰۱۳ توسط کمیته دائمی دسترسی به اطلاعات، حریم خصوصی و اخلاقیات مجلس عوام انجام شد. در این فرآیند، کارکنان موظفند اطلاعات دارایی‌ها، منافع و فعالیت‌های خارجی خود را افشا کنند. کمیته اخلاق پس از بررسی، تعارض منافع احتمالی را مشخص و توصیه‌هایی مانند محدودیت فعالیت‌های خارجی ارائه می‌کند. همچنین، هر دو مجلس در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۵ (عوام) و ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ (سنا) بررسی‌های جامعی انجام داده‌اند که منجر به اصلاحات متعدد شد. این چارچوب با پیش‌بینی بازنگری دوره‌ای، امکان تطابق و بهبود مستمر را فراهم می‌کند.

۱۰- چالش‌های ایران در مدیریت تعارض منافع

فقدان جرم‌انگاری مؤثر: در ایران، مواردی همچون سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه یا تبانی با نهادهای خصوصی برای منافع شخصی، جرم‌انگاری روشنی ندارند. این مسئله، فضای سوءاستفاده از موقعیت‌های اداری را باز می‌گذارد. نبود نهادهای نظارتی مستقل: نهادهای نظارتی در ایران اغلب از استقلال کافی برخوردار نیستند و همین امر، اجرای بی‌طرفانه قوانین را دشوار می‌سازد.

کمبود شفافیت: عدم الزام به افشای دارایی‌ها و منافع شخصی مدیران و مقامات دولتی، امکان بررسی و پیشگیری از سوءاستفاده‌ها را محدود می‌کند.

ضعف در حمایت از افشاگران: در نبود حمایت‌های قانونی و اجرایی کافی از افشاگران، انگیزه لازم برای گزارش‌دهی تخلفات در بین کارکنان و شهروندان کاهش می‌یابد.

¹⁰ Look at: Senate, Standing Committee on Conflict of Interest for Senators, Fourth Report, Ind Session, 39th Parliament, May 2008; Third Report, 1st Session, 41st Parliament, March 2012; Fourth Report, 1st Session, 41st Parliament, October 2012; and Fifth Report; 2nd Session, 41st Parliament, June 2014

ایالات متحده: رویکرد پیشگیرانه این کشور مبتنی بر الزام به شفافیت مالی، افشای دارایی‌ها، و ایجاد نهادهای مستقل است. نهادهایی مانند OGE به‌طور مستقل بر اجرای قوانین مدیریت تعارض منافع نظارت دارند و مقامات موظف به ثبت و افشای منافع خود هستند.

کانادا: هرچند مدیریت تعارض منافع در کانادا نسبت به آمریکا کمتر توسعه یافته است، این کشور با تدوین قوانین مربوط به لابی‌گری، ممنوعیت بهره‌برداری خصوصی از سمت‌های عمومی، و ایجاد کمیسیون تضاد منافع و اخلاق، گام‌هایی رو به جلو برداشته است. با این حال، ساختار پارلمانی کانادا که تعامل قوه مجریه و مقننه در آن بسیار نزدیک است، محدودیت‌هایی را در اعمال این قوانین ایجاد کرده است.

۱۱- راهکارهای پیشنهادی برای ایران

ایجاد نهاد مستقل مدیریت تعارض منافع: تأسیس نهادی مستقل با اختیارات کافی برای نظارت، تحقیق و اجرای قوانین مرتبط، می‌تواند گام نخست در مدیریت کارآمد تعارض منافع باشد.

جرم‌انگاری دقیق و هدفمند: رفتارهایی همچون سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه، پذیرش هدایا با هدف تأثیرگذاری بر تصمیمات، و امضای طلایی باید در قانون تعریف و جرم‌انگاری شوند.

الزام به شفافیت مالی و افشای منافع: تمامی مقامات و مدیران دولتی باید دارایی‌ها و منافع خود را در سامانه‌ای شفاف و در دسترس عموم ثبت کنند.

حمایت از افشاگران: تدوین قوانین جامع برای حمایت از افشاگران، شامل محافظت از شغل، امنیت جانی، و پاداش‌های مالی، می‌تواند مشوق گزارش‌دهی فساد باشد.

آموزش اخلاق حرفه‌ای: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان دولتی و قضایی در زمینه تعارض منافع و اخلاق حرفه‌ای، به ارتقای فرهنگ سازمانی کمک می‌کند.

مدیریت تعارض منافع، فراتر از اقدامات کیفری و تنبیهی، نیازمند یک رویکرد جامع و چندبُعدی است. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی و تطبیق آن با ساختارهای داخلی خود، گام‌های مؤثری در کاهش آثار فسادزای این پدیده بردارد. رویکرد ترکیبی شامل شفافیت، حمایت از افشاگران، جرم‌انگاری دقیق، و آموزش اخلاق حرفه‌ای می‌تواند نظام اداری و قضایی کشور را به سمت شفافیت و سلامت بیشتر سوق دهد. در نهایت، تقویت اعتماد عمومی و کاهش فساد، نه تنها به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه پایه‌های توسعه پایدار و حکمرانی خوب را نیز محکم‌تر می‌سازد.

۱۲- نتیجه‌گیری

تعارض منافع، به‌عنوان یکی از زمینه‌های کلیدی بروز فساد در ساختارهای اداری و قضایی، همچنان چالشی اساسی در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی است. بررسی تطبیقی میان ایران و کشورهای پیشرفته‌ای مانند ایالات متحده و کانادا نشان می‌دهد که مدیریت این پدیده نیازمند ترکیبی از رویکردهای پیشگیرانه، تقنینی و کیفری است.

در ایران، تعارض منافع اغلب با سیاست‌های کشف و تنبیه پس از وقوع فساد مدیریت شده است. این رویکرد سنتی، به دلیل نبود شفافیت، ضعف در جرم‌انگاری و عدم اجرای مؤثر قوانین موجود، ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده است. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته با تلفیق سیاست‌های پیشگیرانه و جرم‌نگر، توانسته‌اند تا حد زیادی پیامدهای منفی این

پدیده را کاهش دهند. برای مثال، ایالات متحده با ایجاد نهادهای مستقلی همچون دفتر اخلاق دولت (OGE) و الزام به افشای دارایی‌ها و منافع، به‌طور نظام‌مند این مسئله را مدیریت می‌کند.

۱۳- منابع

- اکرمی، روح‌الله و فتحی، مرتضی. (۱۴۰۰). تأملی فقهی حقوقی پیرامون قصاص مادر در مقابل فرزند. پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، ۲.
 - پاشایی، حسین و دیگران. (۱۳۹۴). تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۰(۱)، بهار.
 - موسوی فرد، سید محمدرضا. (۱۳۹۷). جرم‌شناسی اسلامی (چاپ اول). بنیاد علمی حقوقی مجد تهران.
 - موسوی فرد، سید محمدرضا و نوروزیان، حسین. (۱۳۹۸). الگوی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در پیشگیری اجتماعی از جرم. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۴(۱)، بهار.
 - موسوی فرد، سید محمدرضا، دریایی، ا. س. و فاخر، س. م. (۱۴۰۱). نگاهی به تعارض منافع: جستاری آسیب‌شناختی، جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی بر مسئله تعارض منافع در ایران و نظام بین‌الملل. انتشارات زرین اندیشمند.
 - معظمی، شهبلا. (۱۳۸۶). پیشگیری جرم‌شناختی. فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، ۱(۱)، تابستان.
 - منفرد، محبوبه و دیگران. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر تورم بر جرائم مالی و اقتصادی. فصلنامه علمی دانش انتظامی پلیس، ۱(۴۲).
 - وکیلان، حسن و دیگران. (۱۳۹۹). راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی با رویکرد تطبیقی. فصلنامه حقوقی دادگستری، ۱۴(۱۰۹)، بهار.
- گزارش‌ها و مصاحبات
- گزارش نشست تضاد منافع در نهادهای مالی. نشست تخصصی انجمن مالی اسلامی ایران نهادهای مالی توسط مهدی دلبری.
 - مصاحبه رئیس کنونی قوه قضاییه و معاون اول و سخنگوی سابق قوه قضاییه در مورخ ۵ شهریور ۱۳۹۷.
- نمایه‌های الکترونیکی
- سایت مگیران.

- Brodie, Bernard (1959), "The Anatomy of Deterrence" as found in *Strategy in the Missile Age*, Princeton: Princeton University Press.
- California: Cal. Gov't Code § 87100.
- Alabama: Ala. Code 1-25-36 و Ala. Code 50-25-36.
- Alaska: Alaska Stat. Ann. 24.60.0300.
- Arizona: Ariz. Rev. Stat. Ann. 38-502.
- Arkansas: Ark. Code Ann. §21-8-803.
- Bill C-30: An Act to amend the Parliament of Canada Act and to make consequential amendments to other Acts, 2nd Session, 40th Parliament, May 2009.
- Bill C-34, An Act to amend the Parliament of Canada Act (Ethics Commissioner and Senate Ethics Officer) and other Acts in consequence.

- Bill C-4 in the subsequent session.
- Carl von Clausewitz, *On War*, trans. and ed. Michael Howard and Peter Paret (Princeton, Princeton University Press, 1989).
- Colorado: Colo, Const. art. V, §430.
- Columbia: D.C. Code Ann. §1-1162.230-1.
- Congressional Independence from the Executive Branch in the United States.
- Ethics in Government Act.
- Features of Conflict of Interest in Canada.
- Florida: Fla. Stat. Ann. 112.3143.
- Fot. Comparison of Canadian and American Laws.
- Georgia: Ga. Code Ann. 45-10-54.
- House of Commons, Conflict of Interest Code for Members of the House of Commons, Appendix I in Standing Orders of the House of Commons, 2017.
- Huth, P. K. (1999), "Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debate", *Annual Review of Political Science*, 2.
- Illegal Influence.
- Massachusetts: Mass. Gen. Laws Ann. ch. 268A, §6B.
- Minnesota: Minn. Stat. Ann. 10A.07.
- Mississippi: Miss. Code. Ann. 25-4-105 و.
- North Carolina: N.C. Gen. Stat. Ann. 163-219.
- Office of the Conflict of Interest and Ethics Commissioner, The 2016-2017 Annual Report in respect of the Conflict of Interest Act.
- Oklahoma: "Material financial interest" is further defined in the rule. Rule 4.7 (Current as of Pennsylvania: 10 Pa.C.S.A. 61102).
- Parliament of Canada, Special Joint Committee on a Code of Conduct, Second Report - Code of Conduct, 2nd Session, 35th Parliament, March 1997.
- Pennsylvania: 65 Pa.C.S 1102.
- Po. Private Payments for Government Services.
- Section 16 prevents members from receiving benefits under contracts with the federal government, and section 18 of the Code provides that a member may not have an interest in a partnership or in a private corporation that is a party to a contract with the Government of Canada, "unless the Ethics Commissioner is of the opinion that the Interest is unlikely to affect the Member's obligations under this Code."
- Senate, Standing Committee on Conflict of Interest for Senators, Fourth Report, Ind Session, 39th Parliament, May 2008; Third Report, 1st Session, 41st Parliament, March 2012; Fourth Report, 1st Session, 41st Parliament, October 2012; and Fifth Report; 2nd Session, 41st Parliament, June 2014.
- Senate, Standing Committee on Rules, Procedures and the Rights of Parliament, Eighth Report, 2nd Session, 37th Parliament, April 2003.
- The effect of Parliamentary System on Conflict of Interest Management.
- Tor. Powerless Representatives of Congress.
- US Presidential System.